

نگاهی نو به آداب باطنی تلاوت قرآن

محمد جواد سعدی شاهرودی*

چکیده

برای بهره‌برداری بهتر و بیشتر از تلاوت قرآن، پیامبر گرامی اسلام (ص) و اهل بیت معصوم آن حضرت (علیهم السلام) آدابی بیان داشته‌اند که از آن به «آداب تلاوت قرآن» یاد می‌شود. دانشمندان اسلام، آداب تلاوت قرآن را در یک تقسیم کلی به آداب ظاهری و آداب باطنی تقسیم کرده‌اند و بیشتر در زمینه آداب ظاهری سخن رانده‌اند. درباره آداب باطنی قرآن، ترتیب کلاسیکی وجود دارد که در کتابهای احیاء العلوم، البیضاء و معراج السعادة، بیان شده است. در این مقاله با مراجعه مجدد به آیات و روایات، با نگاهی تازه به تبیین آداب باطنی تلاوت قرآن، پرداخته شده است. یکی از آثار رعایت آداب باطنی تلاوت قرآن، تولید آهنگ ویژه قرآنی است که از آن به «آهنگ قرائت قرآن» بیان شده است. البته در کنار این نگاه زیباشناختی، آثار و برکات فراوانی بر این گونه قرائت باز می‌گردد که قلم از بیان آن قاصر است.

واژه‌های کلیدی

آداب، تلاوت (قرائت)، آداب باطنی، آهنگ قرائت.

مقدمه

یکی از آخرین دستاوردهای قرآن پژوهی عصر حاضر، نگاه زیباشناختی به قرآن است. گرچه این نگاه سابقه هزار ساله دارد و تحت عناوین «نظم القرآن» و ... که بر مبنای دیدگاه زیباشناختی استوار بود به بررسی ابعاد فصاحت و بلاغت قرآن می‌پرداخت؛

* استادیار دانشگاه سمنان.

نگاه دانشمندان عصر حاضر - به ویژه از دوره رافعی و سید قطب به این سو - بسیار فراتر از بحث شیوایی و رسایی کلمات و آیات قرآن، هنرشناسانه و بسیار فنی شده است و توانسته است ابعاد هنری قرآن را به تصویر بکشد. برای آشنایی با این دیدگاه می‌توان به کتابهای: «اعجاز القرآن و البلاغ النبوی»، از مصطفی صادق رافعی و «التصویر الفني فی القرآن» و «مشاهد القیام فی القرآن» از سید قطب مراجعه کرد. یکی از مهمترین ابعاد هنری قرآن بعد موسیقایی یا آهنگین قرآن است. دانشمندان فراوانی از دانشگاههای قاهره، دمشق، بغداد و... به بررسی این بعد پرداخته‌اند و معمولاً شیوه‌های مشابه به کار برده‌اند و نتایج مشترک گرفته‌اند که از آن به «موسیقی قرآن» یا «جمال صوتی قرآن» یا «اعجاز قرآن» و مانند آن تعبیر کرده‌اند.^(۱)

در مقاله حاضر نگارنده شیوه جدیدی برای اثبات «آهنگ قرآن» و تولید آهنگ ویژه قرآن به اثبات رسانده است. یعنی بدون این که بخواهیم از طریق موضوع آزمایش (مقرئ) که عبارت از قرآن باشد و با روشهای پیچیده ادبی و هنری به اثبات آهنگ قرآنی بپردازیم از طریق آزمایشگر (قاری) این پدیده هنری را به اثبات رسانده‌ایم. در این جا آزمایشگر - در مقطع خاص - به آزمایش خود می‌پردازد و به تحلیل کنشهای روانی خود می‌نشیند و نتیجه مطلوب را می‌گیرد و نیازی به پیشینه کمیاب و گران آشنایی درجه بالا با «ادبیات عرب» و دانش «فونوتیک» و «مبانی علمی هنر» و غیره ندارد، بلکه فطرت سالم و صدای آزاد و آمادگی روانی ورود به حریم مقدس کبریایی و آشنایی با قرائت و ترجمه قرآن که همچون آب زلال و روان در دسترس همگان است و همه کس را امکان بهره‌گیری از آن است در تولید این آهنگ قرآنی کفایت می‌کند.

آهنگ قرائت لازمه رعایت آداب باطنی قرائت

دانشمندانی که درباره آداب تلاوت قرآن سخن گفته‌اند، مانند: غزالی، فیض کاشانی، نراقی، زرکشی و دیگران در کنار آداب ظاهری قرائت، آداب باطنی را نیز ذکر نموده‌اند.

رعایت آداب باطنی، دل را زنده، انسان را از عطایا و فیض الهی بهره‌مند و قرآن را زنده می‌کند. بلکه در هنگام برقراری ارتباط معنوی بین انسان و قرآن، در حقیقت بین این دو، سنخیت - با درجات و مراتبی که دارد - ایجاد می‌گردد.

مهمترین آداب باطنی قرائت، آن‌گونه که در کتاب ا البیضاء شمارش شده است عبارتند از: (۲)

۱- دریافتن گفتار: دانستن مقام و منزلت قرآن نزد پروردگار و سبب فروفرستادن آن به سوی مردم و لطف الهی در تبدیل حقایق عالیه به زبان عامه فهم برای هدایت مردم.

۲- بزرگداشت اولین قاری قرآن و آفریننده قرآن و حفظ حرمت او که با بشر سخن می‌گوید.

۳- حضور قلب و فراموش کردن خود و دل مشغولی‌های دیگر.

۴- تدبّر در معانی قرآن که این ادب یک مرتبه فراتر از حضور قلب است. در آن‌جا با موضوعی کلی به نام قرآن سر و کار دارد، و در این‌جا با مفاهیم و مراد آیات.

۵- تفهّم: فراتر از تدبّر در اصل معنا، کشف معانی نهفته در آیات و ربط آیات و اهداف آنها را شامل می‌شود.

۶- تخلّی و دوری‌گزیدن از موانع فهم. فهم تنها بدون پاک‌سازی موانع آن، گاه جهل مرکب می‌شود. از جمله موانع فهم، انحصار در لفاظی، جمود بر داشته‌های خود یا تقلید از دیگران بدون تحقیق در دانشهای به دست آورده، ارتکاب گناه و اصرار بر آن و تفسیر به رأی می‌باشد.

۷- تخصیص: خود را مخاطب خداوند پندارد.

۸- تأثر: تأثیرپذیری بر حسب تفاوت اوصاف آیات مانند: حزن و ترس و امید و شادمانی و حرکت و نشاط و

۹- ترقّی: خود را به‌گونه‌ای رشد روحی دهد که گویی قرآن را مستقیماً از منبع وحی می‌شنود.

۱۰- تبرّی: از خود - به عنوان انسان گنهکار و دون‌پایه - بیگانه شود و خود را در جایگاه نیکان و صدیقین و شهدا و انبیا گذارد و آن‌گاه خود را مخاطب خداوند بیندارد و رفتار آنها را انجام دهد.

۱۱- در معراج السعاده نیز یک مورد بر این ده ادب افزوده است که عبارت است از: با حزن و رقت قلب بخواند.^(۳)

از مجموع رعایت آداب باطنی قرائت قرآن آهنگ ویژه روحانی و مقدس پدیدمی‌آید که آن را «آهنگ قرائت قرآن» می‌نامیم. این آهنگ فقط صدای زیبای ظاهری گوش‌نواز نیست. بلکه صدایی است که ریشه‌اش از اعماق دل قاری - که از آن عمیق‌تر در جهان وجود ندارد، جوشیده و سر به آسمانها می‌ساید، که بالاتر از آن جایی نیست. این آهنگ فقط حرکت امواج هوا نیست که از آن به موسیقی ظاهری تعبیر می‌شود؛ تنها حرکت معانی در الفاظ نیست که از آن به موسیقی باطنی و داخلی تعبیر می‌گردد؛ بلکه حرکت وجود آدمی است که در حرکت دل و جانش متبلور می‌گردد. و حرکت جوهری که در جهان ماده وجود دارد یکی از مظاهرش در همین حرکت روحی است که در صورتی که قرائت قرآن با تمام شرایطش - بویژه شرایط و آداب باطنی آن - حاصل شود روح انسان است که دائماً با هر قرائتی تغییر ماهیت می‌دهد و مراتب کمال وجودی خود را طی می‌کند تا آن‌گاه که از کالبد ماده خارج گردد. چنان که در احادیث آمده است، تنها آهنگ و قرائتی که از جهان ماده به غنیمت می‌رود و عالم برزخ و قیامت را نیز در بر می‌گیرد آهنگ قرائت قرآن است. دیگر در آن جا نیازی به تموّج هوا یا وجود کتبی و لفظی و ذهنی کلمات نیست. تنها جان و روح مورد نیاز است که هست. و این حرکت کمالی در جهان پس از جهان ماده همچنان ادامه دارد. و خوشا به سعادت آنان که این آهنگ روحی یا معنوی یا ملکوتی یا روحانی - و هر تعبیر دیگری از این قبیل - را دریابند و بدان موفق گردند.^(۴)

احادیثی که این دیدگاه را تأیید می‌کند فراوان است. مانند آن‌که می‌گوید: قرائت صحیح قرآن درقیر به مؤمن آموزش داده می‌شود.^(۵) هر کس که به ساز و آوازهای نامشروع مادی و حیوانی گوش فرا دهد از آهنگ روحانی در آخرت محروم می‌گردد.^(۶) یا ملائکه قرائت قرآن را به طور صحیح به آسمان می‌برند.^(۷) یا در بهشت نیز قاریان،

قرآن می‌خوانند.^(۸) و داود نیز به عنوان بهترین و خوش‌صداترین قاری برای بهشتیان قرآن تلاوت می‌کند.^(۹)

آداب باطنی آهنگ‌ساز

با توجه به آداب باطنی قرائت قرآن، خود تقسیمی دیگر درباره آنها که در تولید یا تأیید و جهت‌دهی آهنگ قرائت، تأثیر دارند ارائه می‌دهیم. در این‌باره پنج مرتبه قرائت - با رعایت آداب مربوط به خود - وجود دارد که عبارتند از:

۱- قرائت مؤدبانه

۲- قرائت متدبرانه (تدبری، اندیشه گرایانه)

۳- قرائت خاشعانه (فروتخانه)

۴- قرائت عاشقانه

۵- قرائت وحیانی (پیامبرانه).

۱- قرائت مؤدبانه

اولین مرتبه قرائت با رعایت آداب باطنی آن، قرائت مؤدبانه است. این مرتبه حداقل لازم برای یک قرائت است. این مرتبه مناسب حال عوام مردم است. هرگاه قرائتی از این ادب باطنی محروم باشد دیگر آن قرائت قرآن نیست بلکه سرگرمی و بازی و گاه توهین است. و این قرائت از فضای دهان و گوش فراتر نمی‌رود. و علیه خود قاری از سوی خداوند و ملائکه او به کار گرفته می‌شود.

ادب، نگاه داشت حد هر چیزی است.^(۱۰) و قرآن کتاب ادب خداوند است: القرآن مأدبة الله.^(۱۱)

قاری قرآن هنگامی که وارد حریم یک فعالیت مقدس شرعی می‌شود باید ادب آن اعمال را حفظ و رعایت کند تا از آنها بهره ببرد؛ چه قرائت قرآن باشد یا دعا و مناجات یا زیارت خانه خدا و آستان اولیای الهی یا حضور در محضر شخصی بزرگ و

بنابراین قرائت مؤدبانه عبارت است از قرائت قرآن با رعایت همه مقررات آن که از آن به آداب ظاهری قرائت تعبیر کردیم، بعلاوه ادب در نفس و قلب. از مجموع این دو، آهنگ قرائت قرآن در کمال ادب و پاسداشت قرآن پدید می‌آید.

از ویژگیهای این قرائت این است که عجله، به هم ریخته‌گی کلمات، افزودن گفتار آدمی و حالات زائد بر حال قرائت، فریاد گوش خراش، رفتارهای سبک و مبتذل در حال قرائت و... در آن وجود ندارد. و قاری قرآن آهنگ قرائت را با وقار و آرامش و صدای خوش و محزون ایجاد و ابراز می‌کند. رفتارهایی که در گفتار پیشین بیان شد، آداب ظاهری قرائت را تشکیل می‌دهند، اما برآیند و نتیجه آنها یک حالت نفسانی در انسان پدید می‌آورد که از آن به ادب داشتن و مؤدب‌بودن تعبیر می‌کنند و همان موردنظر ما است.

۲- قرائت متدبرانه

قرائت همراه با تدبّر، مطلوب خداوند است. قرائتی که در آن تدبّر و اندیشه نباشد خیری نمی‌کند چنان که امیرالمؤمنین (ع) فرموده است.^(۱۲) پیامبر اسلام (ص) نیز فرموده است: وای بر کسی که قرآن را در دهان خود می‌چرخاند ولی در آن نمی‌اندیشد.^(۱۳) قرآن فلسفه نزول شمرده (نزول با مکث) و کم کم آیات را امکان قرائت بر مردم^(۱۴) و امکان حفظ آیات و درک معانی آن دانسته است.^(۱۵) و از نظر قرائت به گونه‌ای ارائه شده است که مردم را به گذشته و آینده و فلسفه خلقت و وظائف خود متذکر گردد.^(۱۶) همین قرائت شمرده و با ترتیل آیات، مستلزم تدبّر در آنها است؛ لذا بر لزوم تدبّر تأکید شده است.^(۱۷)

در فصل مبانی عقلی آهنگ قرائت، به این نکته اشاره رفته است. بنابراین در قرائت متدبرانه هم به عنوان زمینه تدبّر و هم خود تصویرپردازی آیات، که فعالیت فکری به شمار می‌رود مستلزم بیان آیات قرآن در ضمن آهنگ است چنان که در معنای ترتیل، بین آهنگین خواندن آیات و بین فهم آنها ملازمه قرار داده شده است. تدبّر در آیات، از آداب باطنی قرائت است که مرحله برتر از قرائت مؤدبانه است و مستلزم پدیده آهنگ قرائت است.

۳- قرائت خاشعانه

خشوع به معنای فروتنی و خضوع دل است. پس از رعایت حسن ادب در پیشگاه قرآن و همراه با تدبّر در آیات لازم است روح مقام بالاتری را طی کند و آن ایجاد خشوع و نرمی و خاکساری در دل است. در این صورت معانی را با جان می‌شنود و درمی‌یابد. بلکه خود تدبّر در آیات موجب صعود به مرتبه بعدی آداب باطنی می‌گردد. چنان که در قرآن می‌فرماید: «*یا هنگام آن نرسیده است که دلهای مؤمنان به سبب ذکر خدا خاشع گردد*».^(۱۸)

مراد از ذکرالله در این آیه قرآن است گرچه می‌تواند اعم باشد. قرینه ما آیه دیگری است که می‌فرماید: «اگر این قرآن را بر کوه نازل می‌کردیم - و کوه قدرت تحمل بار فهم آیات را می‌داشت - می‌دیدى که کوه از ترس پروردگار خاشع می‌شود.»^(۱۹) قبلاً نیز بیان شد که یکی از نامهای قرآن: «ذکر» است. خشوع، هم از آثار آهنگ قرائت و بلکه مطلق تلاوت است، و هم زمینه آهنگ تلاوت را فراهم می‌کند.



۳-۱- خشوع دل نتیجه تلاوت و آهنگ قرائت

اگر به تدبّر و تفکر در آیات قرآن دستور داده شده است، محال است که در آیات انسان‌شناسی، معاد، رابطه پروردگار و انسان، آیات وعده و وعید، تدبّر صورت گیرد و دل قاری نلرزد، و خاشع نگردد. همچنین، دستور داده شده است که قرآن با آهنگ حزین و خاشعانه و با تباکی قرائت شود. این آهنگ، زمینه خشوع قلب و اشک‌آلودی چشم را فراهم می‌کند.

از امام صادق(ع) روایت شده است که: «هرکس قرآن بخواند و فروتن نشود و دلش نازک - رقیق - و شکسته نگردد و در دل خود غم و ترس - از خدا - را ایجاد ننماید،

در حقیقت، او عظمت الهی راسبک و ناچیز پنداشته و زیان آشکاری را متحمل شده است. قاری قرآن به سه چیز نیازمند است: ۱- دل فروتن؛ ۲- بدن آسوده؛ ۳- خلوتگاه.

اگر برای خدا خاشع شود شیطان از او می‌گریزد. چنان که خداوند فرموده است: هرگاه قرآن می‌خوانی از شیطان به خدا پناه ببر.^(۲۰) و هرگاه دل مشغولی‌هایش کنار گذاشته شد، قلبش برای قرائت خالی می‌گردد و هیچ مزاحمی در آن وارد نمی‌شود تا او را از نور قرآن و فایده‌هایش محروم سازد. و هرگاه در مرحله سوم خلوتگاهی برای خود برگزید و از مردم کناره گرفت با خداوند انس می‌گیرد، و لذت گفتگوی خداوند با بندگان درست کارش را می‌چشد، و لطف و محبت خداوند به آنها را حس می‌کند، و جایگاه ارزشمند آنان را با پذیرش کرامت‌های خداوند و اشاره‌های بدیع و تازه‌اش در قرآن نسبت به آنان درمی‌یابد. آن‌گاه که از این جام - معرفت - نوشید دیگر نمی‌خواهد از آن حالت بیرون رود و آن وقت را بسیار دوست می‌دارد و از دیگر عبادتها - همچون ذکر یا نماز مستحبی یا دعا - چشم می‌پوشد و به تلاوت قرآن ادامه می‌دهد. زیرا در آن، مناجات و گفتگوی بی‌واسطه با پروردگارش را حس می‌کند. ای قاری قرآن! بنگر چگونه کتاب پروردگارت را می‌خوانی و منشور رابطه عشق و ولایت بین خود و آن جناب را چگونه تلاوت می‌کنی! و چگونه دستورات آن حضرت را جامه عمل می‌پوشی! که «آن کتاب عزیزی است که هرگز باطل از پیش و پس بدان راه نمی‌یابد زیرا که از جانب حکیم حمید نازل شده است».^(۲۱) پس آن را با ترتیل قرائت کن و در آیات وعده و تهدید و امثال و اندرزهایش تأمل کن. مباداتنها به رعایت مخارج حروف و قرائت ظاهری آن بسنده کنی! و حدود آن را - که پیروی از قرآن است - ضایع سازی!^(۲۲)

گرچه جملات پایانی گفتار امام صادق (ع) متناسب با آداب باطنی مرحله بعدی است، سخن آن بزرگوار را قطع نکردیم.

در فتح‌الباری می‌گوید: بدون شک انسان، به قرائت آهنگین تمایل فطری دارد زیرا که آهنگ در ترقیق و شکسته دلی و جاری ساختن اشک از چشمان تأثیر بسزایی دارد.^(۲۳)

۲-۳- خشوع دل زمینه آهنگ قرائت

در این که حالات روحی گوناگون انسان در صدای او منعکس می‌گردد شکی نیست.

امروزه هم در درمان بیماریها و هم در فعالیتهای پلیسی و قضایی از تغییراتی که در آهنگ سخن گوینده - مریض یا متهم - حاصل می‌شود به اطلاعاتی دست می‌یابند. امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: ما احد اضمر شیئا الاظهر فی فلتات لسانه و صفحات وجهه؛^(۲۴) هیچ‌کس چیزی را در دلش پنهان نمی‌کند مگر آن که در گفتار و چهره‌اش آشکار می‌شود.

در حالت سرور و تطریب یا خشم و غضب و عصبانیت یا ترس و وحشت یا تعجیل یا نگرانی واضطراب و مانند آنها آهنگهای متفاوتی در گفتار گوینده پدید می‌آید. قرائت در حالت خشوع و خضوع و دل‌شکستگی و فروتنی از آهنگ ویژه خود برخوردار می‌گردد. این که گفته می‌شود: قرآن با حزن فرو فرستاده شده است، زیرا پیامبر بیش و پیش از دیگران به این مرحله حقیقتاً رسیده بود. لذا هنگامی که قرآن را تلاوت می‌کرد یا از وحی استماع می‌کرد، این حالت روحی در آن حضرت وجود داشت و غمناکی و دل‌شکستگی او در قرائتش نمودار می‌شد. از دیگران نیز می‌خواست چه به این مرحله روحی بار یافته باشند - که مطلوب این گفتار ما است - و چه نرسیده باشند - که در آداب ظاهری بیان شد - قرآن را با حزن قرائت کنند.

۴- قرائت عاشقانه

یکی از آداب باطنی قرائت قرآن که شایسته و سزاوار است قاری قرآن آن را تحصیل یا رعایت نماید، قرائت عاشقانه است. البته تحصیل این مرتبه از ادب متوقف بر حصول مبانی فکری و روحی است. یعنی قاری قرآن باید به مرتبه‌ای از معرفت رسیده باشد که نسبت بین خود و خدایش و رابطه خود و کلام‌الله را دریافته باشد. وگرنه کسی که رابطه خود و خدا را درنیافته باشد، چگونه می‌تواند به مرتبه عشق برسد. معرفت، زمینه تحریک روح و احساس را فراهم می‌کند و آنگاه، این قلب است که میدان‌دار می‌شود و از نردبان عقل بهره برده و سپس آن را رها کرده و شعله‌ور می‌شود.

کسی که به حق معرفت نرسیده باشد می‌تواند از رفتار انسانهای واصل، به معرفت اجمالی برسد؛ (آن‌گونه که در استدلال مقلد بر مشروعیت رفتار خود بیان کرده‌اند که اجمالاً استدلال می‌کند: «هذا ما افتی به المفتی و کل ما افتی به المفتی فهو حکم الله فهذا

حکم الله» آنگاه با همین معرفت اجمالی می‌تواند سلوک عاشقانه خود را بیاغازد، یعنی تقلید و همنوایی عاشقان او را در جرگه آنان وارد می‌سازد. گریه در قرائت و تباهی، یعنی تقلید و ادای گریه را در هنگام قرائت درآوردن، ناشی از همین اصل کلی است. و پر واضح است که گریه فرع بر تحریک دل و اشتعال احساس است. پیامبر گرامی و ائمه معصومین در قرائت خود از این ادب برخوردار بودند، آن جا که با کلام پروردگار صفا می‌کردند. پیامبر (ص) می‌فرمود: «بیت عند ربی»^(۲۵) و خداوند در این بیتوته رهنمودش می‌دهد که «قم اللیل الا قلیلاً... و رتل القرآن ترتیلاً»^(۲۶). امام سجاد (ع) و امام کاظم شبانگاهان، همچون جد و مقتدای خود رسول گرامی، به گونه‌ای به تلاوت آهنگین قرآن می‌پرداختند که رهگذران شنونده را مجذوب و میخکوب می‌کردند.^(۲۷) و درباره امام کاظم (ع) گزارش شده است که: «کأنه یخاطب انساناً»^(۲۸) لذا امام حسین (ع) در توجیه طلب مهلت در شب عاشورا می‌فرماید: من تلاوت قرآن را دوست دارم.^(۲۹)

رابطه قرائت عاشقانه و آهنگ قرائت

حال جای این سؤال است که چه ارتباطی بین قرائت عاشقانه و آهنگ قرائت قرآن وجود دارد؟ با چند بیان این ارتباط روشن می‌شود، و چنین نتیجه به دست می‌آید که قرائت عاشقانه بدون آهنگ به دست نمی‌آید. بیان اول- عشق به محبوب مستلزم عشق به لوازم و متعلقات و آثار او است که گفته‌اند:

«من احب شیئاً احب آثاره» و شاعری گفته است:

امر علی جدار دیار سلمی (لیلی) اقْبَلْ ذالجدار و ذا الجدار
و ما حب الدیار شغفن قلبی و لكن حب من سكن الدیار^(۳۰)
اقْبَلْ ارضاً سار فیها جمالها فكیف بدار دار فیها جمالها^(۳۱)

عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست

سعدی

عاشقم بر قهر و بر لطفش به جد

وین عجب من عاشق این هر دو ضد

مولوی

بنابراین، قرآن مجید کلام الله و عطیه مخصوص خداوند به انسان است: «نزلنا / *الیکم نوراً مبیناً*»^(۳۲)، *قد جاءکم من الله نور*»^(۳۳) پیامبر فرمود: «*القرآن مأد الله*»^(۳۴) اگر محبوب جز ارسال این عطیه و نامه چیزی نمی گفت، عاشق با شور و شوق آن را قرائت می کرد چه رسد که خود محبوب سفارش به خواندن آن کرده است: «*فاقرؤوا ماتیسر من القرآن*»^(۳۵) - در جای دیگر و به دلائل نقلی دیگر کیفیت قرائت بیان شده است که همان قرائت آهنگین است. بنابراین عاشقی که نامه محبوبش را دریافت کرده است بویژه که گفته است به صورت خوش برایم بخوان چگونه می خواند؟

بیان دوم- عاشق، محبوب خود را به بهترین وجه و به صورتی که خود محبوب می پسندد و رضایت او را جلب می کند صدا می زند. یعنی احساس خود را در کلامش می ریزد و نثار محبوب می کند. لذا عاشقان همیشه هنرمند بوده اند. و یا هنرمند شده اند. و عشق و احساس خود را در ظرف هنر اعم از نقاشی، موسیقی، آواز، شعر، خط، تذهیب، معماری و... ابراز داشته اند و اگر نگوییم تمام، دست کم بیش تر آثار هنری جاودان جهانی، اثر عشق هنرمندان است.

از این جاست که می بینیم مناجات اولیای الهی در اوج زیبایی و هنر است. ادبیات و معانی و بیان و نظم و گفتار و سجع کلمات، در آن ها موج می زند^(۳۶) و این نیست جز حاصل شور و شوق و عشق و سوز آنان.

خداوند متعال، قرآن را نیز به گونه ای عرضه کرده است که عاشقان، مطلوب خود را در ابراز احساسات در آن می یابند بگونه ای که نظم و وزن و سجع و روانی و آهنگ پذیری قرآن، زمینه قرائت عاشقانه را فراهم کرده است. دیگر این عاشق است که نحوه گفتار و آهنگ آن را تعیین می کند:

هیچ عاشق سخن سخت به معشوق نگفت (حافظ)

در این حالت، احساس شعله ور شده، اشک را هم از چشم عاشق بیرون می آورد. و لا اقل حالت گریان را به خود می گیرد. و ملزوم آهنگ عاشقانه زخمهای درون است

که بر زبان جاری می‌گردد و زخمه‌هایی است که بر تارهای صوتی وارد می‌شود. و از این جا فلسفه احادیثی که درباره آداب تلاوت، همچون قرائت محزون و با حالت گریه و غیره وارد شده است معلوم می‌گردد و روشن می‌شود که آنها ناظر به حقیقت قرائتند. و اگر همچنین احادیثی وارد نمی‌شد، طبیعت انسان دل‌داده، چنین چیزی را اقتضا می‌کرد. احادیث و سیره معصومین، فانوس دریای معرفت و عشق است که ره گم نشود.

بیان سوم: معرفی آثار معشوق

عاشق محبوب خود و آثار و متعلقات او را به بهترین صورت به دیگران معرفی می‌کند تا اندکی احساس و میل خود را ارضا کرده باشد. و آثار هنری جاودان نتیجه این ارضا است. بسا هنرمندان عاشقی که هستی خود را در قالب هنر خود ریخته و جان داده‌اند.

عاشق حق برای معرفی محبوب خود به جهانیان پیام او و اثر او - قرآن - را به بهترین صورت به دیگران عرضه و تبلیغ می‌کند. نویسنده با هنر خط و حکاک با هنر حکاکی و مترجم با ترجمه و مفسر با علم تفسیر خود به گونه‌ای هنرنمایی می‌کنند. مقدم بر همه قاری قرآن است، زیرا که قرآن اولاً و بالذات در قالب قرائت عرضه شده است و مابقی علوم و فنون مربوط به قرآن فرع بر آن است. قرائت عاشقانه قاری قرآن برای معرفی زیبای کلام پروردگار خود مستلزم ارایه بهترین و زیباترین نوع قرائت است که همان قرائت آهنگین قرآن است.

۵- قرائت وحیانی (پیامبرانه)

بالاترین مرتبه و مهمترین ادب باطنی قرائت قرآن، «قرائت وحیانی» است. در این مرتبه قاری قرآن، خود را در جای پیامبر تصور می‌کند که وحی الهی به سوی او نازل می‌شود و او همان مسئولیت پیامبر را بر دوش دارد. این قرائت را قرائت زنده و قرائت گفتگویی و قرائت انطباقی و قرائت انعکاسی نیز می‌توان نام نهاد که هر یک از این عناوین به جهت ویژگی‌ها و حیثیاتی است که در این گونه قرائت قرآن وجود

دارد. در این مرتبه است که آهنگ قرائت قرآن با تمام حقیقت خود و با همه امکانات و توان ابراز می‌گردد و تأثیری که بر خواننده و شنونده می‌گذارد توصیف‌ناپذیر است. این مرتبه از آداب باطنی - همچون مرتبه پیشین - در کتابها مطرح نشده است، اما دلیل‌ها و شواهد آن در آیات و روایات فراوان است که به تفصیل مطرح خواهند شد.

فلسفه نام‌گذاری قرائت و حیانی

با این‌که قرآن کریم بر پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد بن عبدالله (ص) وحی شده است و آن حضرت مأمور ابلاغ آن به مردم بوده است، اما می‌بینیم خطابه‌های قرآن تنها به پیامبر نیست بلکه از تنوع در مخاطبات برخوردار است.

۵-۱- تأثیرگذاری و زنده بودن خطابه‌های قرآنی

هر کس که قرآن می‌خواند و می‌شنود گویی با موجودی زنده و شاداب رو به روست، و حتی گاه پاسخ آیات قرآن را با لبیک یا استعاذه و... می‌دهد از قرآن کمک، می‌طلبد و احترامش را نگه می‌دارد؛ با او درد دل می‌کند. وقتی که به کار مهم یا سفر، دست می‌یازد، خود را به او می‌سپارد و او را همراه خود می‌برد و با خود زمزمه می‌کند. به او تعویذ می‌کند، و با او مشورت می‌کند - استخاره-.

در روایات آمده است که «*إِنَّ الْقُرْآنَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ وَآلَا لَا تَمُوتُ*»^(۳۷) *قرآن زنده است و نمی‌میرد، آیه نیز زنده است و نمی‌میرد*.

گرچه لفظ قرآن بر آیه نیز استعمال می‌شود و ذکر آیه برای تأکید بیشتر است. در روایتی از پیامبر آمده است که: «*رَبِّ تَالِ الْقُرْآنَ وَالْقُرْآنَ يَلْعَنُهُ*»^(۳۸) *چه بسا افرادی قرآن تلاوت می‌کنند در حالی که همزمان قرآن آنان را نفرین می‌کند*.

قاری قرآن که بداند با موجود زنده رو به رو است هم در روح خود برای قرآن حریم نگه می‌دارد، آن‌گونه که می‌خواهد به محضر بزرگی شرفیاب شود و هم در لحن قرائتش تأثیر می‌گذارد.

۵-۲- قرائت گفتگویی

خطابه‌های قرآن برخلاف دیگر گفتارهای مرسوم عربی، از خطابه و نثر و شعر و دعا و غیره، از تنوع و تفنّن زیاد برخوردار است. مهمترین صورت آن، حالت گفتگویی بین انسان و خدا است. گویی خداوند به انسان وحی می‌کند. بلکه حقیقتاً انسان در معرض وحی مستقیم الهی است، امّا نه به واسطه جبرئیل و حتی نه بواسطه پیامبر - جز برای عصر آن حضرت - بلکه بواسطه خود قرآن.

کلماتی که در آنها با ضمائر مخاطب (کم، کن، انتم و...) سخن گفته است یا با کلمه منادا انسان‌مورد خطاب واقع شده است مانند: «یا ایها الناس، یا ایها الذین امنوا، یا عباد، یا بنی آدم، یا ایها الانسان و...» یا با فعل مخاطب، با بشر صحبت کرده است، خواسته‌ها و نظریات یک طرف گفتگو را بیان داشته است اما به شنونده امکان سخن گفتن داده است. لذا انسان بدون این که بخواهد از راه دیگری همچون مناجات غیرقرآنی با خدای خود سخن بگوید از طریق قرائت قرآن نیز با خدایش به گفتگو می‌نشیند. یک نمونه روشن و زیبای آن در سوره فاطر الکتاب به تصویر کشیده شده است.

در این گونه قرائت، حالت‌های مختلف گفتگو همچون پرسش، پرخاش، عذرخواهی، تهدید وعده، ابراز محبت، دعوت، تحریک و... خود را در آهنگ قرائت نشان می‌دهد.

۵-۳- قرائت انطباقی یا انعکاسی

مراد از قرائت انطباقی، انطباق حالات قاری قرآن بر آیات قرآنی است. گویی این نه صدای قاری قرآن که صدای خود قرآن است که از حنجره قاری برخاسته است. از سعادت‌ها و شرافت‌هایی که نصیب قاری قرآن شده این است که مجرای وحی الهی به شنوندگان گشته است.^(۳۹) لذا در آداب ظاهری، از قاری قرآن خواسته شده است که فضای ظاهری دهان را پاک و خوشبو سازد و فضای داخلی آن را باخالص کردن نیت پاک نماید و با رعایت سایر مقررات و آداب به قرائت بپردازد. بنابراین قاری قرآن پیام همه آیات را در آهنگ خود نمایش می‌دهد.

این‌گونه قرائت را انعکاسی و پژواکی نیز می‌توان نامید زیرا آهنگ قرائت، انعکاس قرآن و وحی است، و قاری قرآن در این میان فانی است. او نقش آینه را برای نور و کوه طور را برای صدا ایفا می‌کند.

هر چهار عنوان: قرائت زنده، گفتگویی، انطباقی و انعکاسی بیان‌کننده یک چیز است. گرچه ممکن است تفاوت‌های جزئی در ارائه مفاد خود با هم داشته باشند ما از آن به «قرائت و حیانی» یا «قرائت پیامبرانه» تعبیر کردیم.

در این حالت روح انسان به قدری ترقی می‌کند که حس می‌کند با خدایش گفتگو می‌کند یا مجرای وحی الهی و انعکاس و تبلور مفاد آیات قرآن برای دیگران است.^(۴۰) در این صورت خودش را دو موجود فرض می‌کند. خود آینه و پژواک و صدا و مجرای وحی و خود مخاطب و مکلف. لذا مستحب است آن جا که می‌خواند: «یا ایها الذین آمنوا» پاسخ خود را بدهد که لبیک. یا آن جا که می‌خواند: «فبأی الآریکما تکذبان» پاسخ خود را بدهد که: «لا بشیء من الآتک ربّ اکذب» یا آن جا که می‌خواند: «ألیس ناک بقادر علی ان یحیی الموتی؟» پاسخ بدهد: «سبحانک بلی» و نزد آیه: «ام نحن الخالقون؟» بگوید: «بل انت الله الخالق». و نزد آیه: «... ام نحن الزارعون؟» بگوید: «بل أنت الله الزارع». و نزد آیه: «... أم نحن المنشؤون؟» بگوید: «بل أنت الله المنشئ».^(۴۱)

در این صورت آهنگ قرائت طبیعی‌ترین حالت را می‌گیرد و هنرمندانه‌ترین و مؤثرترین آهنگ قرائت پدید می‌آید. البته باید اعتراف کرد که کو آن کس که بدین معرفت و احساس و رفتار بار یابد؟!

شواهد و ادله دیدگاه قرائت و حیانی

۱- در احادیث متعددی از امام صادق (ع) آمده است که: «نزل القرآن بآیاک اعنی و اسمعی یا جاره»^(۴۲) قرآن بر مبنای با تو سخن می‌گویم اما فلانی تو گوش کن فرود آمده است. یعنی ای پیامبر! مخاطب اولی وحی تویی اما مخاطب ثانوی دیگرانند. از این رو می‌بینیم برخی آیات در خور شأن پیامبر نیست اما بدو خطاب شده است مانند برخی تهدیدات نظیر: «لئن اشرکت لیحبطن عملک و لتکونن من الخاسرین»^(۴۳) اگر به خداوند شرک بورزی، همه کارهای نیکت تباه گشته و از زیان‌کاران خواهی بود. ولی چون مخاطب قرآن تنها پیامبر نیست این گونه آیات نیز در آن یافت می‌شود که خواننده وقتی خود را مخاطب قرآن یافت، حساب کار خود را می‌کند.

۲- راغب اصفهانی از پیامبر (ص) نقل کرده است که: «*من بلغه القرآن فكأنما شافهته لقوله تعالى لانذرکم به و من بلغ*»^(۴۴) هر کس که قرآن بدو برسد (بخواند یا بشنود) گویی من با او سخن می‌گویم - و وحی الهی را بدو می‌رسانم - زیرا خداوند فرموده است: من با قرآن، شما عربهای حاضر و کسانی را که این پیام بدانها می‌رسد پند می‌دهم».

مقصود رسول خدا از آیه یاد شده آیه‌ای است که می‌گوید: «بگو این قرآن به من وحی شده تا شما - اهل حجاز - و دیگران را که بعدها پیام قرآن به آنها می‌رسد، هشدار دهم».^(۴۵) پس کسی که قرآن می‌خواند یا می‌شنود، دارد صدای پیامبر را می‌شنود. و این هنر و مسئولیت قاری قرآن را می‌رساند که بتواند خود یا شنونده‌اش را با قرائت، رویاروی پیامبر نشان دهد.

۳- پیامبر(ص) فرمودند: «*بلغوا عني ولو آ*»^(۴۶) از طرف من حتی با یک آیه شده، قرآن را به دیگران برسانید. یعنی قاری قرآن سفیر پیامبر است و هنگامی که قرآن می‌خواند گویی پیامبر می‌خواند. پس باید حداکثر نزدیکی و شباهت به قرائت آن حضرت را داشته باشد.

۴- درباره امام کاظم (ع) نقل شده است که هرگاه قرآن تلاوت می‌کرد بیش از همه مردم در حالت بین خوف و رجا قرار داشت - از همه بیشتر از خدا می‌ترسید و بیش از همه به خدا امیدوار بود - و با حالت حزن قرآن می‌خواند. «*فأنا قرأ فكأنما يخاطب انساناً*»^(۴۷) هرگاه قرآن قرائت می‌کرد، گویی با شخص دیگر در حال سخن گفتن بود.

این روایت به قرائت گفتگویی نظر دارد.

۵- دهها روایت داریم که ائمه - علیهم السلام - درباره قرآن خطاب به راوی می‌گویند: «*أما سمعت الله عزوجل يقول؟*»^(۴۸) آیا نشنیدی خداوند چه می‌فرماید؟ «*يا فأنی سمعت الله يقول؟*»^(۴۹) من از خدا شنیدم که فرمود: «... *يا أما سمعت الله عزوجل ...؟*»^(۵۰) آیا گفتار خدا را نشنیدید که این عبارتها نشان می‌دهد کسی که قرآن می‌خواند یا می‌شنود گویی مستقیماً از خداوند می‌شنود.

۶- امام صادق(ع) فرمودند: عربی را بیاموزید «*فأنه كلام الله الذي كلم به خلقه...*»^(۵۱) زیرا که قرآن گفتار خداوند است که با آن با خلق خود سخن گفته است.

۷- پیامبر (ص) فرمودند: «*إنا أحب احکم ان یحدّث ربّه فلیقرأ القرآن*»^(۵۲) هرگاه کسی دوست دارد با پروردگارش صحبت کند پس قرآن بخواند.

از این سه دسته روایات (بند ۵-۶-۷) قرائت گفتگویی بین خدا و خلقش به دست می‌آید.

اما دانشمندان قرآن پژوه نیز در این باره سخنان فراوان گفته‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- قطب راوندی گفته است: از ویژگیهای قرآن این است که هم خطاب به پیامبر است و همان گفتار خطاب به دیگران نیز هست.^(۵۳)

۲- جوادی آملی می‌گوید: قلب سالک محل نزول قرآن، ... قرآن برای همگان است. گرچه در اصل بر قلب مطهر رسول خدا نازل شد، ... ولی به تبع در دل‌های پیروان پیغمبر نزول پیدا کرد. کسانی که سنت و سیرت رسول اکرم (ص) الگوی کار و معیار سنت و سیرت آنان است، به همان میزان در حریم قلب خود منزلی از قرآن دارند. یعنی قرآن کریم در قلب آنها نیز در مرحله بعد نازل می‌شود.^(۵۴)

در این گفتار به قرائت انطباقی و انعکاسی اشاره شد.

۳- محمد ابوزهره می‌گوید: مؤمن قاری قرآن، الفاظ قرآن را می‌چشد و صورت‌پردازی قرآن را درک می‌کند و در دلش در اثر موعظه و عبرتهایی که در قرآن وجود دارد خشوع حاصل می‌شود. «و یحس بأن الله یخاطبه» و چنین احساس می‌کند که خداوند با او سخن می‌گوید. در اثر این احساس از کلمات و آهنگ آنها و بزرگی مفاهیم آنها حالت روحانی بدو دست می‌دهد. این است آن «تغنی» که ویژگی خواص مؤمنین است و برخی از صدّیقین بر ادای آن آهنگ قرائت توانایند...^(۵۵)

۴- کلام بلند و پرمحتوایی در «البرهان» آمده است که از علمای پیشین اخذ شده و زرکشی راشدیداً تحت تأثیر قرار داده است. این گفتار چنین است:

برخی از دانشمندان چنین گفته‌اند: مردم در هنگام تلاوت قرآن سه دسته‌اند و مقامات روحی آنان سه گونه است: گروه اول: آنها که اوصاف کوینده را در ضمن گفتارش مشاهده می‌کنند و از دریچه گفتار به او نظر می‌کنند... این مقام «عارفین» است.

زیرا او نه به خود توجه دارد و نه به قرائت خود و نه به نعمتهایی که از جانب خداوند به او رسیده است بلکه تنها گوش هوش خود را به متکلم سپرده و به او فکر می‌کند و در مشاهدۀ او از طریق قرآن غرق شده است. از این رو امام جعفر بن محمد صادق (ع) می‌فرموده است: خداوند با گفتار خود برای مردم تجلی کرده و آشکار شده است اما آنان نمی‌بینند.

دستۀ دوم: آنها که با قلب خود می‌یابند این خداوند است که با آنها سخن می‌گوید و جلوه حسن خود را نشان می‌دهد. چنین قاریانی به مقام حیا و تعظیم در برابر جمال و جلال و جبروت الهی دست می‌یابند و بیشتر در حال بهره‌گیری و غور در معانی و مفاهیم و مراد آیاتند. همۀ «مقربین» به چنین مقامی دست یافته‌اند.

دستۀ سوم: آنها که به مرحله‌ای از معرفت و علو روح رسیده‌اند که با قرائت قرآن خود را در حال سخن گفتن با خدا می‌بینند. مقام روحی این گروه سؤال و تمکن - درخواست و جای گرفتن در محضر باری تعالی است و حالتشان طلب و تقاضا است. این مقام، ویژه «اصحاب الیمین» است. (۵۶)

هنگامی که قاری قرآن از مرتبۀ شنیدن فراتر رفت و دل به دریافت لب مطلب گوینده داد، صفات او و قدرتش را با دل دید و تخیلات و دانسته‌های او را در دفتر علم حصولی را کنار گذاشت. و خود را هیچ کاره یافت و با دل سالم و با صفا، گوش جان به گفتار خداوند داد. در پی مناجات خود، پاسخ خداوند را می‌شنود. زیرا مقصود از ترتیل در قرآن و تدبر در معانی آیات و دل سپردن به مفاهیم گفتار، در دریافت حقیقت قرآن و مراد حضرت پروردگار کمک‌شایانی می‌کند... (۵۷)

۵- زرکشی در البرهان می‌گوید:

هرگاه قاری قرآن بیابد که چه شأن بزرگی پیدا کرده است از این که سینه‌اش ظرف فهم معارف قرآن و دهانش ظرف بیان کلام خداوند گشته است، آمادگی روحی پیدا می‌کند که از زشت‌کاری بپرهیزد و کارهای نیک انجام دهد. «و اکبر معین علی ذلک حسن ترتیله و تلاوته»؛

بزرگترین یاورش در این راه ترتیل نیک و تلاوت زیبای قرآن است...

زرکشی ادامه می‌دهد که: برخی از علما گفته‌اند: آنچه در بحث ترتیل آمده است از آرامش و وقار در قرائت و بیان حروف آن مربوط به پایین‌ترین مرحله ترتیل در تلاوت است.

«فمن اراد ان يقرأ القرآن بكمال الترتيل فليقرأه على منازله فان كان يقرأ تهديداً لفظ به لفظ المتهدد و ان كان يقرأ لفظ تعظيم لفظ به على التعظيم»^(۵۸) هر کس که بخواهد کمال ترتیل را رعایت کند باید آیات قرآن را بر طبق منازل و ویژگیهایی که دارند ادا کند. اگر جمله تهدیدآمیز را می‌خواند در آهنگش نشان دهد و اگر جمله بزرگداشت را می‌خواند همچنین.

و کسی که در مرتبه قرائت و حیانی است، کمال ترتیل را ادا می‌کند. چنان که خود پیامبر چنین بودند. بدین ترتیب می‌بینیم که چگونه آهنگ قرائت قرآن پدید می‌آید.

نتیجه

کمال بهره‌گیری از قرآن مجید بسته به رعایت آداب تلاوت قرآن است. آداب تلاوت دو دسته است:

الف. آداب ظاهری تلاوت

ب. آداب باطنی تلاوت

درباره آداب ظاهری دهها کتاب نوشته شده است. اما درباره آداب باطنی تنها چند تن از بزرگان اسلام‌شناس و قرآن پژوه اقدام به تألیف کرده‌اند که از مهمترین آنان می‌توان غزالی، فیض کاشانی و نراقی را نام برد.

با رعایت آداب باطنی می‌توان با مقام و منزلت واقعی قرآن آشنا شد، هدف قرآن را دریافت و به حقایق قرآنی دسترسی پیدا کرد و در یک کلام، خود را به آرمانهای رسول خدا(ص) نزدیک ساخت.

رعایت آداب باطنی قرائت قرآن، مستلزم تولید آهنگ ویژه قرآنی است. از این زاویه می‌توان دسته‌بندی دیگری در آداب باطنی تلاوت ترتیب داد که از رعایت تک تک آنها و نیز از رعایت مجموع این آداب «آهنگ قرائت قرآن» پدید می‌آید.

در این نگاه که برای اولین بار به جهان دانش و قرآن پژوهی عرضه می‌شود بین آداب باطنی ترتب حقیقی وجود دارد. قاری قرآن از مرحله اول آغاز می‌کند و در اثر تربیت نفس و پرورش عقل به مرحله نهایی این آداب می‌رسد و آن، گونه قرائت پیامبر گرامی است. این مراتب به ترتیب عبارتند از:

۱- قرائت مؤدبانه

۲- قرائت تدبیری (اندیشه گرایانه)

۳- قرائت خاشعانه (فروتخانه)

۴- قرائت عاشقانه

۵- قرائت وحيانی (پيامبرانه)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشتها

- ۱- برای نمونه احمد یاسوف از دمشق در جمالیات المفرد القرآن فی کتب الاعجاز و التفسیر، محمد الحسناوی از عمان در الفا فی القرآن ، فاضل صالح السامرائی از بغداد در التعبير القرآنی ، علی الجندی از قاهره در صور البديع، فن الاسجاع، عائشه عبدالرحمان از قاهره در التفسیر الیانی للقرآن الکریم ، عبدالکریم الخطیب از قاهره در اعجاز القرآن ، لاشین عبدالفتاح از ریاض در الفا فی القرآن، حسن ضیاء الدین عتر از دمشق در بینات المعجز الخالد ، نعیم الحمصی از دمشق در فکر اعجاز القرآن منذ النبوة حتی عصرنا الحاضر.
- ۲- محمدحسن فیض کاشانی، ا البيضاء، تصحیح علی اکبر غفاری، انتشارات اسلامی، قم، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۳۴-۲۴۹.
- ۳- ر.ک: مولی احمد نراقی، معراج السعاده، انتشارات دهقان، هفتم، ص ۶۸۸-۶۹۲. و انتشارات هجرت، هفتم، ۱۳۷۹، تهران، ص ۷۷۸-۷۸۳.
- ۴- محمد بن یعقوب رازی، ر. ک: کلینی، اصول کافی، ترجمه سیدهاشم رسولی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، تهران، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۳۵ باب النوادر - ح ۱.
- ۵- همان، ص ۴۰۸، ح ۱۰.
- ۶- قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۴، ص ۵۴؛ ر.ک: عبدالحسین امینی، الغدير، دارالکتب الاسلامیه، ج ۸، ص ۷۰.
- ۷- اصول کافی، پیشین، ص ۴۲۴، ح ۱.
- ۸- اصول کافی، کتاب فضل القرآن، احادیث ۱، ۱۱ و ۱۲.
- ۹- نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰.
- ۱۰- صفی‌پوری، منتهی الأرب فی العرب ؛ ر. ک: حسن‌زاده آملی، انسان و قرآن، قیام، چاپ اول، قم، ۱۳۷۵، ص ۶۲؛ از امام علی در غررالحکم و دررالکلم آمده است: افضل الأدب ان یقف الإنسان عند حدّه و لا یتعدی قدره.
- ۱۱- حسن‌زاده آملی، انسان و قرآن، ص ۶۷؛ اگر دال در مأدبه را با فتح بخوانیم به معنای اسم مکان و یا مصدر است: ادبستان و ادب کردن و اگر دال را با ضم بخوانیم به معنای اسم است یعنی سفره و خوان پر نعمت.
- ۱۲- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۱۱ و تحف‌العقول، کلمات امام علی(ع).

نگاهی نو به آداب باطنی تلاوت قرآن ۲۵۰

۱۳- ابو علی فضل بن الحسن طبرسی، مجمع البیان، دارالتقريب مصر، تهران، ۱۹۷۷، ج ۲، ص ۵۶۰.

۱۴- سورة اسراء. آیه ۱۰۶.

۱۵- سورة فرقان، آیه ۳۲.

۱۶- سورة قمر، آیات ۱۷، ۲۲، ۳۲، ۴۰ و سورة مريم، آیه ۹۷ و سورة دخان، آیه ۵۸.

۱۷- سورة نساء، آیه ۸۲ و سورة محمد، آیه ۲۴ و سورة مؤمنون، آیه ۶۸ و سورة ص، آیه ۲۹.

۱۸- سورة حديد، آیه ۱۶.

۱۹- سورة حشر، آیه ۲۱.

۲۰- سورة نحل، آیه ۹۸.

۲۱- سورة فصلت، آیه ۴۲.

۲۲- مصباح الشریعه، باب چهاردهم؛ ر.ک: ۱ البیضاء، ج ۲، ص ۲۴۹-۲۵۰.

۲۳- احمد بن علی ابن عسقلانی فتح الباری، تحقیق عبدالعزیز بن باز، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۸۹، ج ۹، ص ۸۸.

۲۴- نهج البلاغه، حکمت ۲۶.

۲۵- محمد صدرالدین شیرازی، نقل از الاسفار الاربعه، انتشارات مصطفوی، قم، ۱۴۰۴ هـ، ج ۸، ص ۳۰۶ و ر.ک: خواجه ابوالفضل رشیدالدین میبیدی، کشف الاسرار، ج ۱، ص ۳۱.

۲۶- سورة مزمل، آیه ۱ و ۲.

۲۷- اصول کافی، ج ۴، ص ۴۱۹ و ۴۲۰.

۲۸- همان، ص ۴۰۹.

۲۹- عبدالرزاق الموسوی المقرم، مقتل الحسین، بصیرتی، قم، ۱۳۹۴، ص ۲۵۶ به نقل از: تاریخ طبری و ارشاد مفید و غیره.

۳۰- سراینده اش را نام نبرده اند. ر.ک: ابن هشام، المغنی اللیب عن کتب الاعاریب، باب رابع، فی الامور التي یکتسبها الاسم بالاضا و نیز ر.ک: ملاهادی سبزواری، اسرار الحکم، به کوشش ح - م - فرزاد، انتشارات مولی، تهران، بی تا، ص ۱۲۸.

۳۱- ر.ک: ملاهادی سبزواری، اسرار الحکم، ص ۱۲۸.

- ۳۲- سورة نساء، آیه ۱۷۴.
- ۳۳- سورة مائده، آیه ۱۵.
- ۳۴- بحارالانوار، ج ۹۲ ص ۱۹؛ وسائل الشیعه، ج ۴ ص ۸۲۶ - كنز العمال، خبر ۲۳۵۶.
- ۳۵- سورة مزمل، آیه ۲۰.
- ۳۶- احمد بن فهد حلی در کتاب عدّ الداعی نکاتی را در این باره بیان داشته است.
- ۳۷- از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) در تفسیر عیاشی ذیل آیه ۷ سورة رعد: و لكل قوم هاد نقل شده است: ر.ک: سیدابوالقاسم خویی، البیان فی تفسیر القرآن، العلمیه، چاپ پنجم، قم، بی تا، ص ۳۰-۳۱.
- ۳۸- بحارالأنوار، ج ۹۲، ص ۱۸۴.
- ۳۹- برای دیدن روایاتی که می‌گوید: خیرکم من تعلم القرآن و علمه یا خیرکم من قرء القرآن و اقرئه یا اشراف امتی القرآن و اصحاب اللیل و روایاتی که تحت عناوین تعلیم و قرائت و حمل قرآن به ما رسیده است رجوع شود به: اصول کافی، کتاب فضل القرآن، جلد ۲ عربی و جلد ۴ ترجمه فارسی، بحارالانوار جلد ۸۹ و فتح الباری، جلد ۹ و میزان ۱، جلد ۸ و وسائل الشیعه، جلد ۴ و ۱ البیضاء، جلد ۲.
- ۴۰- ر.ک: ۱ البیضاء، ص ۲۲۸ و ۲۲۹.
- ۴۱- همان.
- ۴۲- اصول کافی، ج ۴، ص ۴۳۹ - باب النوادر - بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۳۸۱-۳۸۲: در فارسی ضرب المثلث چنین است: ای در به تو می‌گویم دیوار تو گوش کن.
- ۴۳- سورة زمر، آیه ۶۵.
- ۴۴- راغب اصفهانی، محاضرات الأدباء، الحیدریه، قم، ۱۳۷۴ هـ، ج ۱، ص ۱۳۹.
- ۴۵- سورة انعام، آیه ۱۹.
- ۴۶- ابن حجر عسقلانی، مقدمه ارشاد الساری، (شرح صحیح بخاری) ج ۱، ص ۱۳ و صحیح بخاری، ج ۶ ص ۴۹۶، ح ۳۴۶۱.
- ۴۷- اصول کافی، ج ۴، ص ۴۰۹، باب فضل حامل القرآن.
- ۴۸- محمد بن الحسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، محققین شهید ربانی شیرازی و محمد رازی، کتابفروشی اسلامیّه، تهران، ۱۳۶۷، ج ۱۲، ص ۲۲۹.

- ۴۹- امالی صدوق، مجلس ۲، ج ۲.
- ۵۰- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۳۶.
- ۵۱- همان، ج ۴، ص ۸۶۶.
- ۵۲- کنز العمال، خبر ۲۲۵۷.
- ۵۳- الخرائج و الجرائع، ر.ک: بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۳۸.
- ۵۴- عبدالله جوادی آملی، مبادی اخلاق در قرآن، نشر اسراء، اول، قم، ۱۳۷۷، ص ۱۴۰.
- ۵۵- محمد ابوزهره، المعجز الکبری، دارالفکر العربی، قاهره، بی تا، ص ۵۹۹-۶۰۰.
- ۵۶- ظاهراً نام گذاری منطبق بر قرآن نیست. زیرا مقام پایین تر مقام عبدالله الصالحین و مؤمنین است. مقام دوم مقام اصحاب الیمین است که از آنها به ابرار نیز تعبیر شده است و مقام سوم مقام مقربین گرچه در نام گذاری مناقشه نیست.
- ۵۷- البرهان، ج ۲، ص ۸۵.
- ۵۸- همان، ج ۲، ص ۸۲.



منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم: ترجمه ناصر مکارم شیرازی، فولادوند، الهی قمشه ای.
- ۲- نهج البلاغه: جمع آوری سید رضی، تحقیق دکتر صبحی صالح.
- ۳- غرر الحکم و درر الکلم: عبدالواحد آمدی (ف ۵۱۰ هـ).
- ۴- جوادى آملی، عبدالله: مبادئ اخلاق در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۷۷ ش.
- ۵- حسن زاده آملی، حسن: انسان و قرآن، قیام، قم، ۱۳۷۵ ش.
- ۶- نراقی، مولی احمد (۱۲۴۵ هـ): معراج السعاده، مؤسسه انتشارات هجرت، چاپ هفتم، ۱۳۷۹ ش.
- ۷- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی ۸۵۲ هـ: فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، تحقیق عبدالعزیز بن باز، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۸۹.
- ۸- ابوزهره، محمد: المعجز الکبری، دارالفکر العربی، قاهره، بی تا.
- ۹- امینی، عبدالحسین: الغدير فی الکتاب و السنه و الادب، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۹۶۷.
- ۱۰- حرّ عاملی، محمد بن الحسن: وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تحقیق شهید ربانی شیرازی و محمد رازی، کتابفروشی اسلامیّه، تهران، ۱۳۶۷.
- ۱۱- خویی، سید ابوالقاسم: البیان فی تفسیر القرآن، العلمیه، پنجم، قم، بی تا.
- ۱۲- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (حدود ۴۲۵): محاضرات الادباء، الحیدریه، قم، ۱۳۷۴ هـ.ق.
- ۱۳- راوندی، قطب الدین، سعید بن الله: الخرائج والجرائح، مؤ الامام المهدی، قم، ۱۴۰۹.
- ۱۴- زرکشی، بدرالدین محمد ۷۹۴: البرهان فی علوم القرآن، تحقیق دکتر مرعشلی و دیگران، دوم، دارالمعرفه، بیروت، ۱۹۹۴.
- ۱۵- سبزواری، مولی هادی: اسرار الحکم، به کوشش م - ح - فرزاد، انتشارات مولی، تهران، بی تا.
- ۱۶- سراج الدین، عبدالله: تلاو القرآن المجید، فضائلها، آدابها، خصائصها، چهارم، حلب، ۱۹۸۴.

نگاهی نو به آداب باطنی تلاوت قرآن ۲۵۴

- ۱۷- سیوطی جلال‌الدین (۹۱۱ هـ): *(الاتقان فی علوم القرآن)*، تحقیق مصطفی دیب البغا، دار ابن کثیر، دارالمعر، بیروت، ۱۹۸۷.
- ۱۸- صدرالدین شیرازی، محمد (۱۰۵۰ هـ): *(الاسفار الاربعه)*، انتشارات مصطفوی، قم، ۱۴۰۴ هـ.ق.
- ۱۹- طباطبایی (علّامه)، محمدحسین (۱۴۰۲ هـ.ق): *(المیزان فی تفسیر القرآن)*، سوم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۷.
- ۲۰- طبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن: *(مجمع البیان لعلوم القرآن)*، افست از روی چاپ ۱۹۵۸، دار التقرب مصر، تهران، ۱۹۹۷.
- ۲۱- عتر - حسن ضیاء‌الدین: *(بینات المعجز الخالده)*، دارالنصر، حلب، ۱۹۷۵.
- ۲۲- غزالی، ابوحامد محمد، ۵۰۵ هـ: *(احیاء علوم‌الدین)*، تصحیح شیخ عبدالعزیز السیروان، دوم، دارالعلم، بیروت، بی تا و دارالکتب العلمیه ۱۹۸۶.
- ۲۳- فیض کاشانی، محمدحسن: *(البیضاء فی تهذیب الاحیاء)*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، قم، بی تا.
- ۲۴- کلینی، محمد بن یعقوب رازی، (۳۲۹ هـ): *(اصول کافی)*، با ترجمه: سیدهاشم رسولی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت - علیهم السلام، تهران، بی تا.
- ۲۵- کلینی، محمد بن یعقوب رازی، (۳۲۹ هـ): *(الكافی)*، تحقیق شیخ محمدجواد فقیه، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۱۳ ق.
- ۲۶- المجلسی، محمدباقر: *(بحار الانوار)*، الجا الدر اخبار الا الاطهار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
- ۲۷- الموسوی المرقم، عبدالرزاق: *(مقتل الحسین)*، بصیرتی، ۱۳۹۴ ق.
- ۲۸- النووی دمشقی، یحیی بن شرف، (۶۷۱ هـ): *(التبیین فی آداب القرآن)*، تحقیق عبدالقادر الارنووط، دوم، دارالمؤید، ریاض، ۱۹۹۷.
- ۲۹- النووی، یحیی بن شرف الشافعی (۶۷۱ هـ): *(المنهاج فی شرح صحیح مسلم بن الحجاج)*، دار الفکر، بیروت، ۱۹۸۱ م.
- ۳۰- القاری، عبدالعزیز بن عبدالفتاح: *(سنن القراء و مناهج المجودین)*، الدار، مدینه، ۱۴۱۴ هـ.ق.